

پروبلماتیزه کردن چیست؟

میشل فوکو

من مدت‌هاست به دنبال دریافتن پاسخ این پرسش هستم که آیا ممکن است بتوان تاریخ تفکر را به نحوی متمایز - هم متمایز از تاریخ ایده‌ها (منظور من از تاریخ ایده‌ها همان نظام‌های بازنمایی [۲] است) و هم متمایز از تاریخ ذهنیت‌ها [۳] (که مرادم از آن تحلیل گرایش‌ها و انواع کنش است) - ترسیم کرد؟ به نظرم عنصری وجود داشت که قادر به ترسیم این تاریخ تفکر بود؛ این عنصر همان است که می‌توان آن را پروبلم‌ها [۴] یا به بیان دقیق‌تر، پروبلماتیزه کردن [۵] نامید. آنچه تفکر را متمایز می‌کند این است که تفکر چیزی کاملاً متفاوت از مجموعه بازنمایی‌هایی است که زیربنای یک رفتار معین را تشکیل می‌دهد؛ تفکر همچنین کاملاً متفاوت از قلمرو گرایش‌هاست که می‌تواند به این رفتار تعین ببخشد. تفکر چیزی نیست که در کرداری [۶] معین ساکن باشد یا معنایش را به آن بدهد؛ بلکه اتفاقاً همان چیزی است که به فرد اجازه‌ی پاس کشیدن از این شیوه کنش یا واکنش را می‌دهد، تا فرد این شیوه را به خود در مقام ابژه تفکر عرضه کند و معنا، شرایط و اهداف آن را به پرسش بکشد. تفکر آزادی است، آن هم آزادی‌ای در نسبت با آنچه یک فرد انجام می‌دهد، جنبشی است که به وسیله‌ی آن، فرد از آنچه انجام می‌دهد جدا شده، آن را در مقام یک ابژه بنیان نهاده، و بدان همچون یک پروبلم می‌اندیشد.

بیان این مطلب که مطالعه تفکر همانا تحلیل آزادی است، به این معنا نیست که فرد با نظامی صوری سروکار دارد که تنها به خودش ارجاع می‌دهد. در عمل، برای آنکه قلمروی از کنش، یا یک رفتار، به حوزه‌ی تفکر وارد شود، ضروری است که تعداد معینی از عوامل، این قلمرو را نامطمئن ساخته، آن را دچار آشناندایی کرده، یا آن را با دشواری‌های مشخصی مواجه ساخته باشند. این عناصر از فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی نشأت می‌گیرند. اما [این فرآیندها] در اینجا تنها نقش محرک را ایفا می‌کنند. پیش از آنکه پروبلماتیزه کردن مؤثری توسط تفکر صورت بگیرد، آنها می‌توانند حضور داشته باشند و برای مدت‌های طولانی دست به عمل بزنند. اما آنگاه که تفکر پا به میدان می‌گذارد، هیچ صورت به‌خصوصی را نمی‌پذیرد که نتیجه مستقیم یا بیان ضروری این دشواری‌ها باشد؛ این تفکر واکنش‌یابی و مشخص - واکنشی که اغلب صورت‌های بسیاری به خود می‌گیرد و این صورت‌ها برخی اوقات در وجوه مختلف این واکنش، حتی با یکدیگر متناقض‌اند - به این دشواری‌هایی است که توسط یک وضعیت یا بافت برایش تعریف شده‌اند و حقیقت را همچون پرسشی ممکن درک می‌کنند.

در قبال مجموعه منفردی از دشواری‌ها، می‌توان واکنش‌های مختلفی نشان داد. و بیشتر اوقات عملاً واکنش‌های متفاوتی نیز مطرح می‌شود. اما باید فهمید که چه چیزی این واکنش‌ها را در یک زمان ممکن می‌کند: این همان نقطه‌ای است که ریشه هم‌زمانی [۷] آنهاست؛ این همان خاکی است که همه آنها را به‌رغم تنوعشان و برخی اوقات به‌رغم تناقضاتشان می‌پروراند. راه‌حل‌های متنوعی برای دشواری‌های متفاوت پیش روی بررسی بیماری روانی در قرن هجدهم پیشنهاد شده بود: برای مثال، می‌توان به راه‌حل‌های توک [۸] و پینل [۹] اشاره کرد. به طریق مشابه، برای دشواری‌های پیش روی [مسأله] مجازات در نیمه دوم قرن هجدهم، مجموعه‌ای از راه‌حل‌ها ارائه شده بود. یا علاوه بر این، برای اینکه مثالی بسیار بی‌ربط زده باشیم، مکاتب متنوع فلسفه دوران هلنی راه‌حل‌های متفاوتی در قبال دشواری‌های پیش روی اخلاق جنسی باستان به دست داده‌اند.

اما کار تاریخ تفکر باید این باشد که در ریشه این راه‌حل‌های متنوع، صورت عمومی پروبلماتیزه کردن‌هایی را مجدداً کشف کند که این راه‌حل‌ها را - حتی به واسطه تضادشان - ممکن ساخته‌اند؛ یا آن چیزهایی را مجدداً کشف کند که تبدیل‌یافتن دشواری‌ها و موانع یک عمل به پروبلم عمومی‌ای را ممکن ساخته‌اند که می‌توان برایش راه‌حل‌های عملی متنوعی پیشنهاد داد. این پروبلماتیزه کردن است که به این دشواری‌ها پاسخ می‌گوید، اما به شیوه‌ای

کاملاً متفاوت از اینکه آنها را بیان یا آشکار سازد: پروبلماتیزه کردن در پیوند با این دشواری‌ها، شرایط امکان ارائه پاسخ [به این دشواری‌ها] را فراهم می‌سازد؛ و عناصری را تعریف می‌کند که بر سازنده همان چیزی خواهند بود که این راه‌حل‌های متفاوت در تلاش برای پاسخ‌دادن به آن هستند. همین فراهم‌سازی شرایط امکان پاسخ به پرسش، همین تبدیل یافتن یک گروه از موانع و دشواری‌ها به پروبلم‌هایی که راه‌حل‌های متفاوت در تلاش برای به دست دادن نوعی پاسخ به آن‌ها دارند، همین‌ها هستند که نقطه پروبلماتیزه کردن و کار خاص تفکر را برمی‌سازند.

روشن است که [این معنا از تحلیل] تا چه میزان از تحلیل در معنای واسازی فاصله دارد (هر خلطی میان این دو روش احمقانه خواهد بود). [برخلاف واسازی]، در اینجا بحث بر سر پرسشی از جنبش تحلیل انتقادی است که فرد می‌کوشد تا در آن، چگونگی طرح‌ریزی راه‌حل‌های مختلف یک پروبلم را دریابد؛ و همچنین دریابد که چگونه این راه‌حل‌های متفاوت از صورت خاصی از پروبلماتیزه کردن نشأت می‌گیرند. و در نتیجه، روشن می‌شود که هر راه‌حل نویبی که ممکن است به سایر راه‌حل‌ها افزوده شود، صرفاً از [بطن همین] پروبلماتیزه کردن فعلی ناشی خواهد شد، و کاری نمی‌کند جز جرح و تعدیل برخی از مفروضات و اصولی که فرد پاسخ‌هایش به مسأله را بر روی آنها بنا می‌کند. کار تأمل فلسفی و تاریخی همانا عقب‌رفتن به کارزار تفکر است، تنها به شرطی که فرد پروبلماتیزه کردن را نه همچون نظم و ترتیب بخشیدن به بازنمایی‌ها، بلکه به وضوح، همچون کار تفکر درک کند.

[۱] متن حاضر بخشی از مصاحبه‌ای مختصر است که در می ۱۹۸۴، درست پیش از مرگ فوکو توسط پل رابینو صورت گرفته و اکنون مستقلاً به فارسی ترجمه و منتشر شده است. متن انگلیسی کل مصاحبه در منبع زیر یافتنی است:

edited by Paul ,Essential Works of Foucault Foucault, Michel. "Polemics, Politics and Problematizations." In Rabinow. Vol. 1 "Ethics". The New Press, 1998.

این متن پاسخ فوکو به آخرین پرسش پل رابینو است. یعنی این پرسش که: «شما اخیراً از «تاریخ پروبلماتیک» سخن گفته‌اید. منظورتان از تاریخ پروبلماتیک چیست؟»

Systems of representation [۲]

mentalities [۳]

[۴] Problems؛ به دلیل برداشت خاص فوکو از problem و به ویژه problematization، این دو اصطلاح در ترجمه، نه به معادل متداول آنها در زبان فارسی (یعنی مسأله و مسأله‌سازی)، بلکه به همان صورت پروبلم و پروبلماتیزه کردن برگردانده شده‌اند. به ویژه اینکه اصلاً موضوع اصلی این متن، ایضاح معنای نوین فوکویی همین دو واژه است.

problematization [۵]

conduct [۶]

simultaneity [۷]

Pinel

tuke[λ]

[۹]

پروبلماٽیکا*